مدیرمسئول: محمد فاضلی
سردبیر: جواد دلیری
تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ – روابط عمومی
نشانی: تهران خیابان خرمشهر – شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸–۱۵۸۷۵
امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
شرکت چاپ جام‌جم و بامشاد سبز تهران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

ایران
www.iran-newspaper.com

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:
دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:
۵–۸۸۵۴۸۸۹۲
میثاقنامه اخلاق روزنامه‌نگاران ایران:
www.ion.ir/news/19949.html

| تبریز | تهران | مشهد | اهواز | بندرعباس | یزد | شیراز | رشت |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۰ | ۱۲ | ۱۸ | ۲۴ | ۳۱ | ۲۲ | ۲۳ | ۱۴ |
| ۲ | ۶ | ۵ | ۱۶ | ۱۹ | ۱۰ | ۸ | ۹ |

**سخن روز**

**پیامبر صلی الله علیه و آله:**
إنّ الغضب من الشّیطان و إنّ الشّیطان خلق من النّار و إنّما تطفأ النّار بالماء فإذا غضب أحدکم فلیتوضّأ.
خشم از شیطان و شیطان از آتش آفریده شده است و آتش با آب خاموش می شود، پس هرگاه یکی از شما به خشم آمد، وضو بگیرد.
**نهج الفصاحه ص ۲۸۶، ح ۶۶۰**

---

نـــگاره

هانی انصاری

**ظریف: امریکا با اعمال دوباره تحریم‌ها به سازمان ملل دهن کجی کرد**

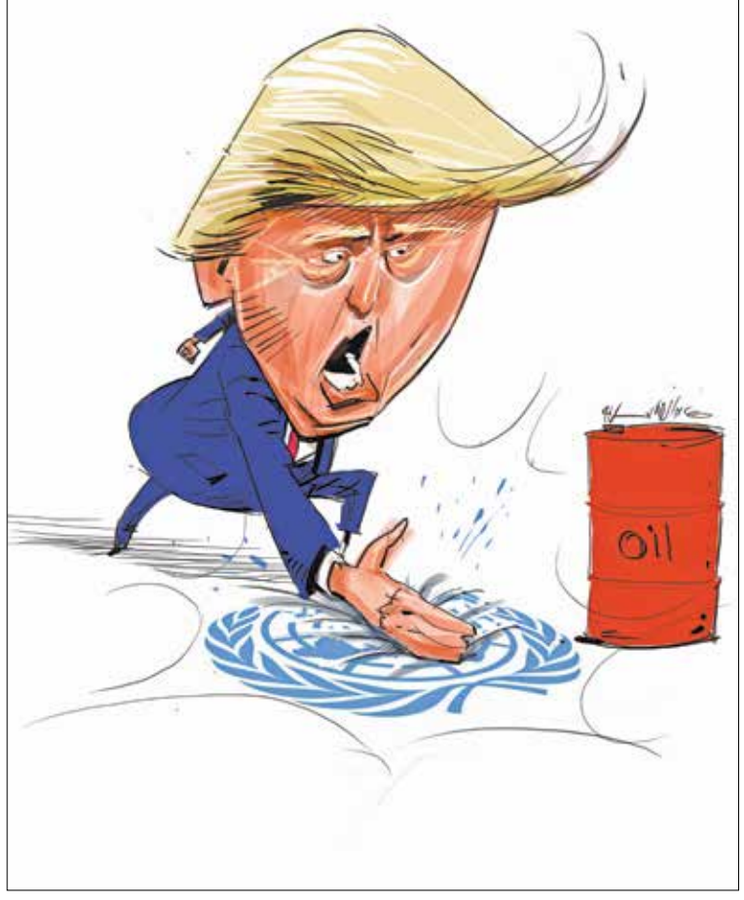


---

پری ملکی شصت و هفت ساله شد

## موسیقی، جادوی بزرگ زندگی

**زادروز**

**«ایران»: پری ملکی پانزده آبان ماه یک هزار و سیصد و سی در تهران به دنیا آمد. خوانندگی را از دهه پنجاه خورشیدی آغاز کرد و تاکنون آلبوم‌های «یاد ایران»، «یادمان بنان»، «زیباتر از ماه و گل»، «نرگس مست»، «امیر عشق»، «رؤیای رنگین» و... را منتشر کرده است. امروز شصت و هفت ساله می‌شود، با این هنرمند خواننده گپ زدیم و با او درباره حال و احوالش و این روزها و روزگاری که از سر گذرانده صحبت کردیم.**

آبان‌ماه با شکوه و پر جلالی است و به لطف و مهر بی‌پایان دوستان و شاگردها و دوستداران تقریباً تمام این ماه به شادباش و تبریک تولد می‌گذرد و از این همه مهر و محبت صمیمانه عزیزانم سپاسگزارم. نه تنها شاگردهای این ایام و سال‌ها بلکه بسیاری از شاگردان دهه‌های پیش هم لطف دارند، جشن تولد می‌گیرند و پیام‌های تبریک شادم می‌کند. به اعتقاد من بخش زیادی از محبوبیت آدم‌ها، به شخصیت و منش آن فرد بر می‌گردد. من همواره سعی کردم و می‌کنم با مهر و صداقت و احترام با دیگران رفتار کنم و افراد را به صرف انسان بودن دوست داشته باشم، سال هاست با این ایده و مشی زندگی می‌کنم و با همین دیدگاه نشیب و فراز زندگی را از سر می‌گذرانم و با راه‌ها این مشی و منش را آزموده‌ام و جواب گرفته‌ام. بنایم در تعامل با دیگران و مهر و دوستی و احترام و صداقت است و موسیقی این جادوی بزرگ زندگی من امکانی است تا بتوانم انسان‌هایی با این مشی و منش را بیابم. از راهی که آمدم خشنودم و همیشه سعی کردم به وجوه خوب زندگی نگاه کنم و قدر لحظه‌هایم را بدانم و تا جایی که می‌توانم از آنها بخوبی بهره ببرم. نخواستم و نگذاشتم سختی‌ها و گرفتاری‌های زندگی مرا از کار و عشقم موسیقی بازدارد و مدام در تکاپوی یادگیری و تجربه‌اندوزی از آن سختی‌های سال‌های رفته بودم که اکنون فقط خاطره‌های محو و کمرنگی از آن را در یاد دارم. در همه احوال موسیقی کانون تحرک و پویایی من بوده است و بزرگترین انگیزه زندگی‌ام هم بوده است. سعی می‌کنم این ایده‌ها را با شاگردهایم مطرح کنم و ضمن گفتن و شنیدن از موسیقی پی گرفتن این جادوی شگفت‌انگیز از تلخ و شیرین زندگی نیز به آنها بگویم و هیچ‌وقت نخواستم و نمی‌توانم این تجربه‌ها و درک و دریافت‌ها از زندگی را از آنها دریغ کنم. امید دارم نسل جوان و خلاق ایرانی با همت بیشتر در تعالی فرهنگ و هنر ایران زمین بکوشند و هرگز به خاطر سختی‌ها دست از تلاش نکشند. آمین.

---

علیرضا قزوه در گفت‌وگو با «ایران» از دلایلش برای پیشنهاد تغییر یا جایگزینی سرود ملی می‌گوید

## این سرود آیینه‌دار ایران ماست؟

**گپ**

محسن بوالحسنی
خبرنگار

**از اواسط دوران قاجار بود که ضرورت داشتن سرودی ملی حس شد اما این سرودها و مارش‌ها به تمامی هویت یک سرود ملی را نداشتند. سرودهای نخستین، در واقع، مارش‌هایی شاهانه (و البته اغلب نیز ساخته فرنگی‌ها) بودند که از دوران ناصرالدین شاه تا احمدشاه نواخته و اجرا می‌شدند اما نبود رسانه‌های جمعی این سرودها را نه آنچنان معروف کرد و نه همه‌گیر. بعد از روی کار آمدن پهلوی‌ها، رضاشاه که قصد سفر به ترکیه داشت متوجه شد که سرودی که در این مناسبت رسمی و بین‌المللی نواخته و اجرا شود وجود ندارد؛ بنابراین، پیش از سفر یک مجموعه سه‌گانه تهیه و همراه با آن عازم دیدار با آتاتورک شد. سرود ملی کشور ما پس از انقلاب براساس شعری از ابوالقاسم حالت با مطلع «شد جمهوری اسلامی به پا» و موسیقی محمد بیگلری پور ساخته شد اما سال ۱۳۷۱ به دلیل برخی شباهت‌های این سرود، به سرود شاهنشاهی و وجود برخی نکات دیگر، سرودی دیگر جایگزین این سرود شد که همچنان نیز سرود ملی کشور ماست. «سرزد از افق» را ساعد باقری نوشت و آهنگ آن را حسن ریاحی ساخت. حالا، علیرضا قزوه، شاعر و مدیر مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری پیشنهاد داده که این سرود یا عوض یا بازسرایی شود. او در گفت‌وگو با «ایران» از سرود ملی ایران و دلایلش برای طرح این پیشنهاد می‌گوید.**

تسنیم

**■ پیشنهاد داده بودید که سرود ملی ایران عوض یا بازسرایی شود. چه عیب‌ها و مشکلاتی را متوجه سرود ملی می‌دانید؟**

قبل از هرچیز باید دوباره تأکید کنم که همه دوستان برای ساخت این آهنگ و این شعر واقعاً زحمت کشیده‌اند و باید بخوبی از آنها تجلیل شود. چند نکته اما درباره سرود ملی حتماً باید لحاظ شود که فکر می‌کنم در این سرود به آن توجه نشده است. مثلاً اینکه سرودهای ملی باید ورد زبان شوند و حتی بچه‌ها هم سریع آن را حفظ کنند چه برسد به جوان‌ها و اقشار سنی دیگر. از طرفی دیگر جای حماسه در این شعر و آهنگ آنچنان به چشم نمی‌آید آن هم در کشوری که مهد حماسه است. متأسفانه سرود ملی ما سخت است و به لحاظ شعری و آهنگی جاهایی با گنگی و ابهام و حتی رخوت روبه‌روست. مثلاً دوستی نقل می‌کرد که من تا همین چند سال پیش هم نمی‌دانستم «فر بهمنی» یعنی چه. برخی کلمات خوب ننشسته‌اند یا زمانی که از شهیدان حرف زده می‌شود آدم احساس می‌کند موسیقی دارد به خواب می‌رود. یا مثلاً کشور ما کشور امام رضاست و شما در این سرود اسمی از حضرت رضا(ع) نمی‌شنوید.

**■ فکر می‌کنید این کار را باید چه نهاد یا جریانی انجام دهد؟**

اینجا دیگر نام ایران وسط است و همه زیر لوای این پرچم مقدس زندگی می‌کنیم. من اتفاقاً می‌گویم برای شعر باید صدای قومیت‌ها و اقلیت‌های دینی هم شنیده شود و آنها هم در این اجماع حضور داشته باشند. هر کسی یک کلمه بنویسد و این کلمات دست به دست هم بدهند تا شعری شاداب، حماسی، انقلابی و آیینه دار تمام ظرفیت‌های قومی و اقلیتی کشور ایران باشد از زرتشتی‌ها و ارمنی‌ها و کردها و عرب‌ها و همه و همه... حتی سرودش را هم می‌توانند چهره‌های مطرحی مثل آقای ناظری و شجریان و... با هم و به‌صورت گروهی بخوانند یا هر کسی سطری و.... این طور حق مطلب ادا می‌شود؛ اینکه هر کسی با هر سلیقه‌ای به‌نام و خاطر ایران اختلاف‌ها را کنار بگذارد و برای ایران کاری کند تا اثری فصیح، بلیغ، ساده، همه فهم، شاداب و حماسی و ملی و مذهبی را در قامت سرودی ملی داشته باشیم.

---

نگاهی به برنامه «کیوسک» با موضوع شبکه نمایش خانگی

## لزوم ریشه‌یابی بی‌طرفانه

**قاب**

فرهاد خالدی نیک
منتقد سینما و تلویزیون

شنبه شب گذشته مجله فرهنگی-هنری کیوسک با موضوع بررسی وضعیت تولیدات شبکه نمایش خانگی به روی آنتن شبکه سوم سیما رفت. گزارش‌های تحلیلی و میزگرد تخصصی این برنامه با حضور مجری (احسان عبدی پور) و میهمانان مدعو (سید امیر پروین حسینی، سعید خندق آبادی و محمدتقی فهیم) به تحلیل عملکرد شبکه نمایش خانگی در حدوداً ۱۲ سالی که از عمر این رسانه نوپا می‌گذرد اختصاص یافت. انتظار این است که در برنامه‌های اینچنینی که رویکرد نقد یک فیلم یا یک مجموعه تلویزیونی یا یک رسانه خاص در دستور کار قرار می‌گیرد، کارشناسان برنامه از طیف‌های مخالف و موافق انتخاب شوند تا ضمن شکل‌گیری بحث‌های چالشی، امکان بررسی همه جانبه و دقیق‌تر موضوع فراهم آید. کیوسک این هفته اما در غیاب مدافعان و مسئولان امر، به محل تاخت و تاز منتقدان شبکه نمایش خانگی تبدیل شد.

ذکر مسائلی نظیر آشفتگی‌های موجود در تولیدات این رسانه، سوءاستفاده‌های مالی و عدم نظارت دقیق مسئولان و... از جمله انتقاداتی بود که کارشناسان در نقد عملکرد شبکه نمایش خانگی مطرح کردند. مواردی قابل تأمل که ریشه‌یابی علل و عوامل آن فرصتی بیش از یک برنامه می‌طلبد و یقیناً با پرداختن به آن در قالب یک برنامه ۶۰ دقیقه‌ای حق مطلب ادا نمی‌شود. بخصوص آنکه منتقدان برنامه شمشیر را از رو بسته باشند تا بیشتر نقاط ضعف سوژه مورد بحث را پررنگ کنند. این چنین است که مجری برنامه در لحظاتی در قامت مدافع شبکه نمایش خانگی ظاهر شد تا شاید گفت‌وگو، جدی‌تر و چالشی‌تر از قبل دنبال شود. موضوع زمانی جالب‌تر می‌شود که به این مسأله دقیق شویم که شبکه نمایش خانگی در واقع یکی از رقبای رسانه ملی محسوب شده و در دوره‌ای (مثلاً هنگام توزیع سریال شهرزاد) به نوعی گوی سبقت را از تلویزیون ربوده بود. از این منظر برای سیما نیز تحلیل دقیق و کارشناسی بی‌طرفانه از وضعیت رقیب، از نان شب واجب‌تر است.

واقعیت این است که شبکه نمایش خانگی که در آستانه عرضه چهلمین سریال خود به بازار است، در طول این سال‌ها افت و خیزهای فراوانی را تجربه کرده و هنوز هم به آن ثباتی که لازمه بهبود و ارتقای یک رسانه پویا است، دست نیافته است. به نظر می‌رسد آشفتگی موجود در این شبکه ناشی از عدم برنامه‌ریزی هدفمند برای پرداختن به مضامین نو و کمبود تفکر و تعمق لازم برای تهیه و عرضه سریال‌هایی متنوع و مناسب با نیازهای روز جامعه باشد. اینچنین است که در مقطعی خاص شاهد تولید و عرضه سریال‌هایی با فضاها و قصه‌هایی کم و بیش مشابه هستیم که شباهت‌ها و تکراری بودن آنها، سرخوردگی مخاطب را به‌دنبال می‌آورد. مخاطبی که درسریال‌های شبکه نمایش خانگی، از مشاهده موضوعات، کلمات و تصاویر کلیشه‌ای گریزان است و پرداختن به قصه‌هایی بدیع و فرم‌های کمتر دیده شده را جست‌وجو می‌کند.

با وجود این در بسیاری از تولیدات شبکه نمایش خانگی، این ساختارشکنی در طرح موضوعات در سطحی‌ترین شکل ممکن اتفاق افتاده تا حدی که به‌نظر می‌رسد تهیه‌کنندگان و کارگردانان مربوطه تنها با استفاده از چهره‌های مطرح و رنگ و لعاب دادن به فضای کار، تنها جذب مخاطب بیشتر را اولویت قرار داده و هدف مهم‌تر و آرمان والاتری قرار نیست در دستور کار باشد. شاید زمان آن فرارسیده باشد که عنصری به‌نام «فیلمنامه نویسی» بیش از اینها در تولیدات شبکه نمایش خانگی مورد توجه قرار گیرد. آن هم فیلمنامه کامل سریال که از قبل نقاط ضعف و قوتش کارشناسی شده تا در دوران تصویربرداری و ضبط سریال نیاز به بررسی و بازنویسی مجدد نباشد. اتفاقی که در مورد سریال شهرزاد رخ داد تا بعد از عرضه سه فصل از سریال، فیلمنامه خوب و سرشار از جزئیات آن، به‌عنوان یکی از علل موفقیت این مجموعه قلمداد شود. با تمام این اوصاف امید است که مشکلات موجود درشبکه نمایش خانگی و سایر رسانه‌های تصویری موجود، ریشه‌ای‌تر و حرفه‌ای‌تر از قبل مورد تجزیه و تحلیل کارشناسان امر قرار گیرد تا شاهد اتفاقات بهتری در حوزه‌های مختلف رسانه‌های تصویری باشیم.

---

## بخش دیگری از تاریخ سینمای ایران ماندگار شد

**خبر آخر**

مؤسسه سینما شهر با خرید لابراتوار فیلمساز، مکان این شرکت قدیمی که بخش مهمی از فیلم‌های تاریخ سینمای ایران در آن تولید شده است را حفظ کرد. این لابراتوار که نقش مهمی در سینمای ایران داشته‌است در اوایل سال ۱۳۹۳ به‌دلیل دیجیتالی شدن صنعت سینما تعطیل شد و اخیراً با بازسازی توسط مؤسسه سینما شهر به‌عنوان محل جدید این مؤسسه و مرکز پشتیبانی سینماهای کشور به بهره‌برداری رسید. محمد مهدی حیدریان رئیس سازمان سینمایی در بازدید از محل سابق لابراتوار فیلمساز با ابراز خوشنودی از حفظ این بنای تاریخی پیشنهاد کرد: بخشی از لابراتوارهای فیلم که سیر تحول و تاریخچه این صنعت را نشان می‌دهد در این ساختمان به‌عنوان موزه صنعت لابراتوار فیلم نگهداری شود.

در این بازدید که در حاشیه جلسه شورای معاونان و مدیران سازمان امور سینمایی و سمعی بصری انجام شد سالن سینما با ظرفیت ۵۰ نفر جهت نمایش فیلم و کنترل استانداردهای کیفیت صدا و تصویر نیز به بهره‌برداری رسید. لابراتوار فیلمساز در سال ۱۳۴۶ در تهران واقع در خیابان مفتح جنوبی کوچه بوربو به‌عنوان لابراتوار ظهور و چاپ تأسیس شد و بخش عمده فعالیت آن از بدو تأسیس تا اواخر دهه ۱۳۵۰ ظهور و چاپ فیلم‌های تبلیغاتی بود اما از دهه ۱۳۶۰ شرکت فیلمساز به یکی از اصلی‌ترین لابراتوارهای ظهور و چاپ فیلم‌های سینمایی تبدیل شد. بیش از ۳۷۰ فیلم سینمای ایران از «مغول‌ها» و «غریبه و مه» و «باغ سنگی» تا «اجاره نشین‌ها» و «کانی مانگا» و «شاید وقتی دیگر» و تا «مرهم» و «سعادت آباد» مراحل فنی را در این لابراتوار انجام داده‌اند.

---

به‌بهانه انتشار فراخوان یازدهمین دوره جشنواره هنرهای تجسمی

## تلاش برای ترمیم گسست‌های همیشگی

**جشنواره**

ناصر نصیری
مدرس دانشگاه

فراخوان یازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر منتشر شد. با دیدن اسامی مدیران و اعضای اصلی جشنواره و هیأت داوران می‌توان حس اعتماد بیشتر و بهتری به این دوره از جشنواره داشت. حضور ابراهیم حقیقی، سیف‌الله صمدیان، امیر احمد فلسفی، احمد وکیلی و اردشیر مجرد تاکستانی نشان از این دارد که عزمی جدی‌تر دارد شکل می‌گیرد تا جشنواره هنرهای تجسمی فجر فرم و رفتاری قابل اتکاتر به خود بگیرد در یازدهمین دوره برگزاری خود. آنچه از یک جشنواره انتظار می‌رود در واقع شناسایی پتانسیل‌های جوان و استعدادها نو در زمینه‌های مختلف هنرهای تجسمی است و معرفی آنها به جامعه حرفه‌ای برای تأثیر گذاشتن بر هرآنچه قرار است فردا در این زمینه‌ها دیده شود. هنرهای تجسمی در تاریخ ایران همواره از مؤثرترین اتفاق‌های اجتماعی بوده و البته در دوره معاصر مهجورتر از پیش با رمقی کم به حیات خود ادامه داده است. اگر می‌بینیم که در چهلمین سال دهه فجر یازدهمین دوره این جشنواره در حال برگزاری است یعنی این شاخه از هنر در این درجه از اهمیت بوده است. با این همه جای خوشحالی است که جشنواره هنرهای تجسمی فجر دارد در مسیری حرکت می‌کند که می‌توان افق‌های بهتری را برای آن در آینده دید. آنچه به جشنواره‌ها اعتبار و رنگ می‌دهد در واقع عوامل اجرایی و نگاه و سابقه آنهاست و همواره انتظاری که از جشنواره در هر سطحی می‌رود این نیست که نمایشگاهی برگزار گردد، گالری‌ای پر شود و عده‌ای هنردوست بیایند و آنها را نگاه کنند و بعد کارنامه‌ای فرهنگی برای مدیری فراهم شود و تمام، بلکه در واقع جوهر اصلی حرکتی اینچنینی تشویق و معرفی کسانی است که استعداد و علاقه و پشتکار را همزمان دارند برای رسیدن به هدفی بزرگتر. نکته بسیار مهم دیگری که در این دوره از جشنواره به چشم می‌خورد موضوعات بخش هاست، موضوعاتی که در این دهه‌ها مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند موضوعاتی که جامعه اکنون ما نیاز بسیاری به دیدن و شنیدن آنها دارند تا دوباره اتفاق‌های ملی ورود کنند در ترمیم فرهنگ جامعه و حس‌های خوب گذشته را در میان مردم زنده کنند، موضوعاتی از قبیل رویشی نوین از ریشه‌های کهن، رنج‌های بشری و بازنمایی هنرمندانه، میراث فرهنگ و اندیشه ایرانی، اسطوره‌های و باز آفرینی در جهان معاصر. این موضوعات در واقع می‌توانند بخش بزرگی از گسست پیشین ما را حال بهبود ببخشند.

---

## از مفاهیم مصداقی استفاده کنیم

**واکنش**

حسن ریاحی
آهنگساز سرود ملی ایران

صحبت‌های جناب آقای قزوه را خواندم. طبعاً ایشان و هر دوست دیگری حق دارند نظر خود را مطرح کنند. اما اگر بخواهم نظر شخصی خودم را بگویم، می‌توانم از این نکته شروع کنم که تعریف کلماتی را که ایشان ارائه کرده‌اند، چندان درک نمی‌کنم. چراکه این سخنان باید با مصادیق درست و عینی همراه باشد. مثلاً گفته‌اند، این موسیقی و شعر حماسی نیست. من هم می‌توانم بگویم مصداقی که می‌توانیم برای این جنس موسیقی حماسی بیاوریم دقیقاً چه نوع سرودی است و در چه کشورهایی از این موسیقی حماسی استفاده می‌شود. چیزی که من آن روزها فکر کردم این بود که پایه را از موسیقی کلاسیک ایرانی بگیرم و با پیش درآمدی در ماهور قطعه را شروع کنم و بعد آن را به ماژور ببرم. این کاری است که من می‌توانستم انجام بدهم و شاید قابل گفتن هم نباشد اما منفعتی هم از آن به من هرگز نرسید و این کار را بر حسب علاقه و میل وطن دوستانه‌ام انجام دادم. در واقع سفارشی یا... نبود. فراخوان دادند و سی و هفت آهنگساز کار خود را ارائه دادند و در نهایت کار من پذیرفته و نهایی شد. حالا اگر کسی دیگر می‌تواند بیاید و کار بهتری بسازد حتماً این کار را بکند. حتی آقای قزوه خودشان شعری بنویسند و یک آهنگساز هم سرود ملی تازه‌ای بنویسد و بسازد. گفته‌اند این سرود ملی شاداب نیست؛ برای سرود ملی که رسمی است و شرایط خاص خود را دارد شادابی چه معنی مصداقی می‌تواند داشته باشد. به هر روی نظر ایشان محترم است و قابل بحث و گفت‌وگو.

---

**شهروند مجازی**

یگانه‌خدامی

## گور پدر ترامپ خندان باشیم!

**جمله روز**

شعرخوانی کاظم دلخوش نماینده صومعه سرا در مجلس به مناسبت آغاز تحریم‌های امریکا علیه ایران از اتفاقات عجیب دیروز بود. این شعر را دلخوش سروده بود که در فضای مجازی بازتاب زیادی هم داشت. مخصوصاً این مصرع:
باید که قوی، مرد میدان باشیم
گور پدر ترامپ، خندان باشیم
بیشتر توئیت‌ها و پست‌های مربوط به این موضوع با نوشتن همین بیت همراه بود و البته خیلی‌ها هم فیلم و صوت این شعرخوانی را منتشر می‌کردند. در کنار اینها کسانی هم بودند که به این شعرخوانی با این ادبیات واکنش نشان می‌دادند: «ما مردم عادی هر روز گریان‌تر از دیروزیم.»

## تبریک احمدی‌نژاد به تیم بیس بال امریکا!

**سوژه روز**

صبح دیروز در فضای مجازی با یک توئیت خاص آغاز شد. توئیت محمود احمدی‌نژاد رئیس دولت های نهم و دهم و تبریکش به تیم بیس بال ردساکس امریکا! این اتفاق آنقدر عجیب بود که چند دقیقه پس از ارسال این توئیت تعجب و خنده و خشم مجازی‌ها را همراه داشت. احمدی‌نژاد در توئیتش به زبان انگلیسی نوشت: «تبریک به تیم ردساکس و شهر بوستون برای قهرمانی در لیگ جهانی ۲۰۱۸.» دو عکس از بازیکنان رد ساکس که جام را گرفته بودند و شادی می‌کردند هم ضمیمه توئیت شده بود.

پای توئیت احمدی‌نژاد پر بود از کامنت‌های جدی و شوخی کاربرانی که از کار او تعجب کرده بودند. یکی از کاربران نوشته بود: «اگه می‌خوای رئیس جمهوری امریکا بشی باید بدونی که شورای نگهبان شون رد صلاحیتت می‌کنه.» این توئیت‌ها را هم بخوانید: «یه تحلیل جامع هم بزار استفاده کنیم»، «وای خدا باورم نمیشه، تو این شرایط بد چقدر این خبر خوشحال کننده بود! به مشایی و بقایی هم بگو اینو حداقل واسه چند لحظه اونها هم خوشحال شن.» و «نمی‌دونم به این توئیت آقای احمدی‌نژاد باید خندید، گریه کرد؛ تصور می‌کنم احمدی‌نژاد به تنلو در سیاست ایران تبدیل شده!» و «می‌گم چندوقته ازش خبری نیس، نگو نشسته بیسبال تماشا می‌کنه!» البته فقط ایرانی‌ها نبودند که پای این توئیت کامنت می‌گذاشتند و شوخی می‌کردند. خبرنگاران خارجی و کاربران کشورهای دیگر هم با تعجب درباره این موضوع می‌نوشتند.

حبیب رضایی بازیگر سینما هم در توئیترش نوشت: «احمدی‌نژاد قهرمانی تیم بیس بال ردساکس امریکا را در لیگ ۲۰۱۸ تبریک گفت!.. من دیگه حرفی ندارم!»

**چهره روز**

## ظریف در مجلس و توئیتر

محمدجواد ظریف را می‌توان چهره دیروز فضای مجازی دانست. او دیروز به مجلس رفت تا به سؤالات نمایندگان پاسخ دهد و بعضی جملاتش در فضای مجازی هم بازتاب داشت. جملاتی مثل «ما ریز جزئیات [برجام] را خدمت رهبری ارائه دادیم.»، «امریکا نمی‌تواند برجام را تضعیف کند»، «آرزوهای بهتری برای برجام داشتم.» و «جمهوری اسلامی اگر بخواهد به برنامه هسته‌ای خود برگردد به مراتب، بهتر از گذشته می‌تواند پیش ببرد.» در توئیت‌های زیادی بازنشر شدند.

پس از جلسه هم ظریف در توئیترش به زبان انگلیسی نوشت: «امروز امریکا با اعمال مجدد تحریم‌هایی علیه ایران که مردم عادی را هدف قرار می‌دهد، از دادگاه عالی و شورای امنیت سازمان ملل سرپیچی کرد. اما زورگویی امریکا نتیجه معکوس داشته است، آن هم نه تنها به این علت که برجام اهمیت دارد، بلکه به این خاطر که جهان نمی‌تواند به ترامپ و شرکایش اجازه دهد که نظم جهانی را برهم بزنند. امریکا - و نه ایران - منزوی شده است.»